

روشن می شود بلکه روشن بخیر اندازند از نوا کردن و فریاد بر آوردن  
 این کلمات در دمای که می گویند یا کول الله و یا علی و یا عزت الله  
 یا حسین یا فاطمه یا خدیجه یا پیران اول خود را ازین آیه کبیره ملازمه  
**وَلْيُحْسِنُوا الصَّلَاةَ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ**  
 کرده را و شویایی کنی کرده اند یعنی نسبتی توایی محمد صلعم شو کننده  
 آن شخص را که در تبر است و در آن شریف اگر باری خدا خواند عبادت  
 است اگر باری را فاضله و تعریف برسد بخواند شریک است روزه که از  
 اعظم عبادت است اگر باری غیر الله بود در روز خوزه نام روزه خواه نیم روزه  
 که از مطلق کرد در مکان حج که از اعظم عبادت است اگر بجای دیگر آید  
 که است هیچ باید کرد قبری یا فایع دیگر کوی فایع کبیره که در کعبه مغایر  
**وَلْيُحْسِنُوا الصَّلَاةَ الْعِظِيمَةَ** باید که طواف کنید باین خانه قدیم دور  
 دو مکان کوی صفا و واقعه نباید و طواف کوی صفا و کوی  
 فرج نباید کرد و همچنین ستر کشیدن و صورت را بران نمودن و دیگر  
 ارکان

ارکان نیز برین قیاس باید کرد بهترین طاعت روزه است و اتفاق  
 بیعی الله تقدیر حسن با طعم که مقام خود کان دنیا ز بندگان یا  
 جن در بی و ملائکه یا دیگر غیر الله باشد سرگشته خوردن آن طعام باغیر  
**قَالَ لَيْسَ بِصَوْمٍ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَكَانَ صَوْمُكُمْ سَاءَ صَوْمًا**  
**بِأَنَّكُمْ كُنْتُمْ أُمَّةً فَاعْبُدُوا اللَّهَ** حرام کرده شد بر شما این روزه و خوردن آن  
 آرزو که باشد برای غیر خدا بآن تماس کند در حضور پادشاه یعنی نزدیک  
 غلام یا در بر یا ننگه یا شاه خود موجود است پس باید آن عیب معوض  
 عتاب لطیفی می افتد و نذرش را نیز بر خاک است می اندازد و اگر  
 آن عذر قبول کرده باشد و تقرب بخواند غیره شریک است روزه و  
 روزه و غیره کل اواب آن هم محل غضب می در آید و اگر انکار کند باشد  
 نقان باو می رسد پس آن نذر را که بر خاک است آنکه است شخصی دیگر  
 نقد گرفتن نباید بد مقام غضب لطیفی می در آید پس ظاهرش را بوجه  
 مافر بودن آن ملک حقیقی اگر نقدی یا طعامی نیاز غیر الله نمایند کردن